

سرمقاله

نگرش روشن شناختی بر اقتصاد آموزش و پرورش

توفیق یا عدم توفیق اقتصادی، پیشرفت و پویایی و یا عقب ماندگی یک جامعه در گرو مجموعه سیاست‌هایی است که در زمینه‌های مختلف توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی - اقتصادی آن کشور اتخاذ و به اجراء گذاشته می‌شود. اتخاذ سیاستها و تأکید و تمرکز بر عوامل و فاکتورهای معین در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود نشأت گرفته از پایگاه و بینش فکری و فلسفی حاکم بر تصمیم‌گیرندگان است، لذا اولین سؤالی که در خصوص پیش‌بینی موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورها می‌تواند مطرح باشد این است که آیا اصولاً تصمیم‌گیرندگان آن کشور، به داشتن یک بینش و تفکر معین اعتماد دارند و پارادایم معینی را در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود اساس قرار داده‌اند و اگر پاسخ مثبت باشد در این صورت سؤال بعدی در خصوص نوع پایگاه فکری و یا مکتب اقتصادی است که مسئولین امر از آن تغذیه می‌شوند. یقیناً برنامه‌ریزانی که اساس توسعه را انباشت سرمایه‌های فیزیکی می‌دانند و یا آنهایی که محوریت پویایی اقتصادی را بر سرمایه انسانی متمرکز می‌دانند، مجموعه سیاست‌های متفاوتی را تدوین و طراحی می‌کنند و حاصل این دو شیوه نگرش نیز متفاوت خواهد بود. در این سرمقاله بنا داریم تا مروری کوتاه بر یکی از اساسی‌ترین مباحث در توسعه اقتصادی یعنی اقتصاد آموزش و پرورش داشته باشیم.

اهمیت و نقش حیاتی آموزش و پرورش در زندگی انسان آنقدر عیان و روشن است که در سطح خرد و یا کلان کمتر مورد سؤال قرار می‌گیرد. فعالیت نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف به یک جریان عادی و مستمر تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از بودجه‌های دولتی و هزینه‌های شخصی در این راه صرف می‌شود. به علاوه زمان بسیاری از بهترین دوران زندگی انسانها به صورت آموزش‌های مختلف به این کار اختصاص می‌یابد.

پرداختن به مسائل آموزشی و طرح سؤال در ابعاد مختلف آن از این جهت با اهمیت است که فراتر از تمام مسائلی که امروزه در حوزه علوم اجتماعی مطرح است، زندگی ما را از نفوذ خود متأثر می‌سازد. یکی از صدها مسائلی که در این رابطه مطرح می‌باشد، این است که برای رسیدن به اهداف آموزشی چگونه می‌توان به رعایت اصول بهینه‌سازی در تخصیص منابع پرداخت؟ اگر آموزش را جزئی از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بدانیم پاسخ به این سؤال به نحوه نگرش مکاتب مختلف به آن و توجیه پذیری برای تخصیص منابع مربوط می‌شود. در نگرش اقتصاد نئوکلاسیک اصل متعارف حداکثر سازی در چگونگی تخصیص منابع آموزشی ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و لذا در تئوریهای پیشرفته رشد درونزا^۱ عامل سرمایه‌گذاری‌های آموزشی مانند سایر عوامل تولید مورد نظر قرار می‌گیرد. در این نگرش سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر مستقل درون‌زا در مدل تصریح می‌گردد و صورتگرایی لازم براساس شروط اصلی دیدگاه یعنی وجود انسجام منطقی^۲ انجام می‌گیرد و هنگامی تخصیص منابع به آموزش توجیه دارد که در مقایسه با سایر عوامل تولید از بازده مشابه و یا بالاتری برخوردار باشد. از آنجایی که حساسگری اقتصادی ملاک سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری است لذا روشهای محاسباتی و عملیاتی ویژه‌ای چون روشهای تجزیه و تحلیل هزینه - فایده، اثربخشی هزینه و محاسبه نرخ بازده در این خصوص طراحی و توسعه یافته‌اند.

دیدگاه دوم که تمامی مکاتب ساختارگرا^۳ نهادگرا^۴، و به طور کی نظریات جامع‌گرا^۵ را شامل می‌شود، حساسگری در خصوص سرمایه‌گذاری در آموزش را فقط محدود به متغیرهای اقتصادی نمی‌داند. عقلانیت در این نگرش عقلانیت محدود^۶ نیست و

-
1. Endogenous Growth Theories
 2. Logical Coherence
 3. Structuralist
 4. Institutionalist
 5. Holism Theory
 6. Bounded Rationality

تصمیم‌گیری برای شکل‌گیری حداکثر منافع، جزئی از عقلانیت جامع‌گرا می‌باشد، لذا در این دیدگاه نگرش‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی علاوه بر مقوله‌های اقتصادی بر انگیزشها و کنش‌های مرتبط با فعالیتهای آموزشی تأثیر دارند. در نتیجه داده‌های آماری آن بسیار گسترده تر می‌باشد. در این نگرش برای قضاوت در مورد به سؤالیهای ذکر شده در دیدگاه نخست، ابزارهای سنجش هزینه - فایده، اثربخشی هزینه و یا نرخهای بازدهی فقط راهنمایی کلی برای حرکت هستند و ابزارها و روشهای علمی جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی در چارچوب عقلانیت تعریف شده در هر یک از شاخه‌های علوم انسانی مبنایی برای سنجشهای علمی قرار گرفته و مسائل مطروحه در نظام آموزشی به ویژه حسابگریهای مرتبط با آن با عنایت به این سنجشها صورت خواهد گرفت. در این صورت شاید بتوان برای التزام علمی برخی از کشورها در فراگیر نمودن دانش عمومی و محو بی‌سوادی به رغم وضعیت درآمدی نامناسب آنها توجیهی قانع‌کننده‌تر یافت و یا به شبکه گسترده تری از روابط علی در کشف علل سرمایه‌گذاری و یا عدم آن در آموزش فردی یا ملی دست یافت و بالاخره راهکارهای مفیدتری را برای حل معضلات آموزشی جهان سوم، بسیار فراتر از نگرشهای مادی و یا در چارچوب مکانیزم قیمتها، پیدا کرد.

در یک تحلیل اقتصادی انواع آموزشها را می‌توان به ۳ گروه تقسیم کرد. دسته اول آموزشهای عمومی و پایه است که منظور آن محو بی‌سوادی از طریق آموزش مهارتهای سه‌گانه خواندن، نوشتن و حساب کردن است، به علاوه این آموزشها حداقل تواناییهای لازم فردی و صلاحیت‌های ضروری مدنی و اجتماعی را برای احراز تابعیتی شایسته و زندگی در جامعه مورد نظر به افراد اعطا می‌کند. این آموزشها که عموماً اجباری می‌باشد، بیشتر مسائل طرف عرضه را در خود جای می‌دهد. از سوی دیگر چون پایه و اساس بهره‌برداری از هرنوع فرصت و امکانی در آینده به آن وابسته است و افراد مشمول آن توانایی لازم برای احقاق حقوق خود را ندارند، دولتهای خردگرا و جوامع با غنای فرهنگی بالا، این آموزشها را در اولویتهای برنامه‌های توسعه خود قرار داده و با ارائه یک آموزش

فراگیر یک بار برای همیشه، بی‌سوادی و مشکل آموزشهای پایه را رفع می‌کنند. صرف هزینه‌های این مقطع آموزشی مانند سایر مصارف عمومی است و محاسبه فایده مستقیم آموزشی در این دوره نه معمول و نه ضروری است.

آموزشهای دیگر، آموزشهای فرایاه عالی است که روشنترین نوع آن آموزشهای تخصصی را برای رفع نیاز واحدهای تولیدی و خدماتی به نیروی انسانی ماهر، تدارک می‌بیند. مقایسه خالص منافع خصوصی و اجتماعی این دوره‌های آموزشی قضاوت در خصوص تأمین این هزینه‌ها توسط دولت و از منابع مالیاتی مردمی و یا تحمیل همه این هزینه‌ها بر دوش افراد مشمول، این آموزشها را ساده‌تر می‌نماید. به عبارت دیگر، اعمال روشهای حسابداری اقتصادی یا تحلیل هزینه - فایده این گونه آموزشها ضرورتی انکارناپذیر است.

دسته سوم از آموزشها، مربوط به سرمایه‌گذاریهایی می‌شود که در بردارنده طیف گسترده‌ای از آموزشها با انگیزه‌های مختلف است. این نوع آموزشها را کمتر می‌توان با معیارهای اقتصادی و با ارزشهای بازاری محک زد. این سرمایه‌گذاریها با انگیزه بسیار فراتر از انگیزه‌های مادی گره خورده است. انجام سرمایه‌گذاریهای مستقیم و یا صرف وقت برای این نوع آموزشها، خاص شیفتگان و فرهیختگان یک جامعه می‌باشد که تلاش و کار آنها با هدفهای انسان دوستی، پیشرفت دانش، تعالی معنوی فردی و اجتماعی و عشق به وطن درآمیخته است. لذا تحولات فکری و فرهنگی جوامع، دستاوردهای کارساز تکنولوژیک، اختراعات و ابداعات در همه زمینه‌های علوم اجتماعی و علوم طبیعی مدیون این نوع تلاشهای آموزشی و تحقیقاتی است. فراهم آوردن این نوع محصول که محور اصلی توسعه است نیازمند فضا سازی و ایجاد انگیزه‌های خاصی است، تا ظهور و شکوفایی استعدادهای نو را ممکن سازد. نکته مهم اینکه پاداشهای مادی در این مقوله رد نمی‌شود، اما ملاحظه اینکه این پاداشها فقط جزیی از فضا سازی مذکور است بسیار با اهمیت است.

اگر چه اقتصاد آموزش و پرورش در شکل مرسوم آن عمدتاً بر تعادل بین هزینه‌های صرف شده برای یک دوره آموزشی معین و فایده مستقیم آن آموزش تکیه دارد و صرف

چنین هزینه‌هایی را زمانی مجاز می‌شمارد که نرخ بازدهی مذکور قابل رقابت با سایر فعالیتهای اقتصادی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری باشد. اما که اگر هزینه‌های وقت انسانی را منابعی محدود همانند محدودیت در سایر منابع در دسترس بشری فرض کنیم و آثار ترویجی آموزش، به ویژه آموزش نیروی انسانی برای تعالی انسان را در سطحی فراتر از افزایش بازدهی تولید در نظر بگیریم، آنگاه حوزه وسیع‌تری از آموزشها را مجاز شمرده و درک عمیق‌تری را از بازدهی سرمایه‌گذاریهای آموزشی خواهیم داشت. در هر حال حوزه مطالعات در اقتصاد آموزش و پرورش ضرورتاً باید به سؤلهای قابل طرح در این رابطه پردازد و الگوی مناسب و شیوه‌های ابزاری برای تبیین مسائل آن فراهم آورد.

پنجاه و ششمین شماره مجله تحقیقات اقتصاد با ارائه هشت مقاله به پژوهشگران، اندیشمندان و علاقمندان مباحث اقتصادی به این امید تقدیم می‌گردد که به تعمیق اندیشه علمی در تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاری های اقتصادی کمک نماید.

مقاله اول با عنوان "پیشنهاد یک مدل کلان رشد برای اقتصاد ایران" سعی در ارائه مدل رشدی متناسب با شرایط اقتصادی کشور دارد و با کمک این مدل آثار سیاستهای گوناگون اقتصادی و روند هر یک را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقاله دوم با عنوان "بررسی اثر عدم تعادل نرخ ارز بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی" تأثیرات نوسانات نرخ واقعی ارز را بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی تجزیه و تحلیل می‌نماید.

سومین مقاله با عنوان "هدف گذاری نرخ واقعی ارز و ثبات اقتصادی: مورد ایران" به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا پیروی از نظام ارزی تثبیت خزننده قادر به ایجاد ثبات اقتصادی در کشور می‌باشد یا خیر.

مقاله چهارم تحت عنوان "دوران زایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن اقتصاد ایران" نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران فشارهای هزینه‌ای قادر به توضیح تغییرات عرضه پول می‌باشد و بدین جهت عرضه پول که در فروض اساسی تحلیل‌های اقتصاد کلان برونزا و قابل کنترل است در اقتصاد ایران درونزا می‌باشد.

"برآورد سری زمانی تابع تقاضای واردات ایران: یک تحلیل مجدد" عنوان پنجمین مقاله این مجموعه می‌باشد که تابع تقاضای واردات ایران را با توجه به دو مسأله بهینه‌سازی- مطلوبیت و آزمون پایایی متغیرهای آن مورد تحلیل مجدد قرار می‌دهد.

مقاله ششم با عنوان "تحلیل همبستگی شاخصهای توسعه مخابرات و توسعه اقتصادی و تعیین حد بهینه توسعه مخابرات برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی کشور" ضمن تأکید بر اثربذیری پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از یکدیگر نقش توسعه مخابرات بر توسعه دیگر بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد.

"روشهای اقتصادی مبارزه با آلودگی هوای تهران" عنوان مقاله هفتم می‌باشد که مسأله آلودگی هوای تهران و روشهای مبارزه با آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. و سرانجام هشتمین و آخرین مقاله این مجموعه تحت عنوان "استخدام رسمی - پیمانی و نقش شرکتهای کاریابی" قصد دارد تا با ارائه یک مدل نقش شرکتهای کاریابی را با وجود کارگزاران رسمی و پیمانی بررسی نماید.

دکتر محمود متوسلی

سردبیر مجله تحقیقات اقتصادی